

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

به سلسله نشر مقالات سابق

(مقاله چهل و ششم)

با تجدید نظر و اضافات

یاددهانی ضروری :

درین اواخر بعض عناصر مغرض ، کم جاغور و بی خبر از همه چیز، خرده میگیرند که چرا فلان نویسنده مقالات خود را که در جاهای دیگر نشر کرده، اینک در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر میکند؟؟؟ و این را تمسک گرفته ادعاء میکنند که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" گویا مقالاتی را نشر میکند، که قبلاً در جاهای دیگر نشر گردیده اند. صرف نظر از چنین دید سطحی و کودکانه خرده گیران، که عقلشان در نوک زانوی شان خوابیده، باید بگویم، که چون این ایراد ناموجه و بیمارگونه، بدرجه اول متوجه من است، لازم می افتد که در زمینه، حد اقل روشنی را ببندازم :

- اول اینکه این مقالات مال حلال خود نویسنده است و در بدل حق الزحمه به پورتال "افغان جرمن آنلاین" و امثالش فروخته نشده، که حالا صاحبان "افغان جرمن آنلاین" و ایادی و انصارشان بیابند، و دعوی مالکیت این مقالات را بکنند. مالکان "افغان جرمن آنلاین" خوش باشند، که هنوز که هنوز است، اجازت داده ام، تا مقالاتم در آرشیف هایشان باقی مانده و در دسترس مطالعه خوانندگانشان قرار گیرد. پورتال "افغان جرمن آنلاین" (AGO) به هیچ وجه و با هیچ دست آویزی، سند حقوقی مالکیت این مقالات را پیش کرده نمیتواند و وقتی که چنین است، آرزو میکنم که متصدیان AGO بالاخره بسر عقل آمده و از پروپاگندهای کم و زیاد و بی معنی، خودداری نمایند.

- اگر این مقالات که مال حلال خودم میباشند، حق دارند، در یک صفحه بیگانه انترنتی نظیر AGO اجازت نشر داشته باشند، چرا همین مقالات افتخار نشر را در پورتال مبارز "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" (AA-AA) که پورتال خود ماست، نداشته باشند؟؟؟؟

- نشر این مقالات نظر به خواهش دوستان صورت میگیرد، و من خود را مکلف میدانم که به امر دوستان گرانقدرم گردن نهم. سخنان دشمنان و معاندان را همان قسم که باد آورده، بدست باد می سپارم که ببرد و رویش را گم کند. امید است که با ارائه ادله مختصر بالا ، دهن خرده گیران "عاقل از دنیا" یخ کرده باشد، در غیر آن قلم بیهراس من هزاران پرده را خواهد درید و بر هیچ کس رحم نخواهد کرد!!!!!!

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین، 24 اگست 2007

ورود کلمات دری به زبان پشتو

حدوداً دو سال پیش مضمون مبسوطی نوشتم زیر عنوان "ورود کلمات بی مورد و ناباب در زبان دری" که به استقبال فراوان خوانندگان مواجه گردید. این استقبال در حدی بود، که همان مقاله را با تفصیلات بیشتر و اضافات، مجدداً به نشر رسانیدم. همین شکل آخرین در آرشیف در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و نیز در پورتال "افغان جرمن آنلاین" قابل دریافت است. مگر بودند کسانی از وطندارانم که این مقاله بدماغشان خوش نخورد. نه تنها این، بلکه ایشان از نشر وسیع این نوشته آنقدر متأذی و مویدماغ گشتند، که دست به مقابله زدند. اما کاش مقابله

ایشان بالمثل میبود. کاش ایشان در رد نوشته ام مقاله یا مقالاتی برون میدادند و گفته هایم را با دلیل و برهان و استدلال رد می کردند. نه خیر! اینان این کار را نکردند و یا که قدرت چنین کار را در خود ندیدند و چون دلشان به اصطلاح بسیار کوفت کرده بود، باید از این نوشته و نوشته های بی شمار دیگرم و نیز از نویسنده آنها انتقام می گرفتند. و چه انتقامی خوشتر ازین، که بر نویسنده بتازند و به هتک حرمتش بپردازند؟؟ بلی این هموطنان ما دقیقاً همین کار را هم کردند.

دیربست که عده ای قلیل و نامعتبری از هموطنان ما، خود را به داوریهای یکجانبه در مورد زبان های رسمی کشور محبوب مشغول ساخته اند. اینان یک طرف سکه را می بینند و طرف دومش را یا دیده نمیتوانند و یا که اصلاً نمیخواهند ببینند. مثلاً سؤال میکنند که چرا "کلمات پشتو" وارد "دری" گردیده اند و یا وارد ساخته شده اند. مگر آیا اینان از خود هرگز سؤال کرده اند، که چرا "کلمات دری" وارد "زبان پشتو" گردیده اند؟؟ قرار احصائیه ای که داده اند، تعداد "لغات دری دخیل در زبان پشتو" بیست برابر تعداد "لغات پشتوی دخیل در زبان دری افغانستان" است. اگر اندک انصاف میبود، این هموطنان ما در درجه اول سؤال معکوس را مطرح کرده میپرسیدند، که چرا اینقدر "کلمات دری" وارد "زبان پشتو" شده اند. و اگر واقعاً انصاف می داشتند، این کار را "بیست بار" میکردند، پیش از آنکه سؤال همیشگی و یکنواخت خود را "یک بار" به میدان می انداختند و از ورود "لغات پشتو" در "دری" میپرسیدند.

حقیقت اینست، که دو زبانی بمانند "دری" و "پشتو" که از یک مادر زاده و قرنهایی متوالی باهم و در کنار هم زیسته اند، نمیتوانسته اند، که به مبادله لغات و کلمات نپردازند؛ و این اصلی نیست که تنها در مورد زبانهای دری و پشتو صدق کند؛ این امر در مورد تمام زبانهای عالم صادق است، حتی در موردی زبانهایی که هزاران فرسنگ از هم فاصله مکانی دارند.

سؤال دومی که مطرح میگردد اینست، که چرا "پشتو زبانان" کلمات "دری" را بدون کوچکترین تعصب استعمال میکنند، ولی وقتی روی دیگر سکه را در نظر بگیریم، می بینیم که بعضی دری زبانان حاضر نیستند، حتی یک کلمه "پشتو" را در گفتار و نوشته خود بکار گیرند؟؟ و این کاری نیست که خالی از تعصب کور و کر باشد!!!! پشتوزبانان هرگز نمیپرسند که چرا دفتر و دیوان افغانستان حداکثر به زبان "دری" است؟؟؟ چرا معاملات در دوائر دولتی و ادارات و بانکها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و خصوصی و انفرادی، تقریباً همه به "زبان دری" صورت میگیرد؟؟؟ چرا محصلان پشتوزبان که از ولایات شرق و جنوب کشور به بزرگترین پوهنتون وطن، یعنی "پوهنتون کابل" راه می یابند، باید همه "دری" بدانند، چون تدریس در "پوهنتون کابل" به زبان "دری" است، و نه به هر دو زبان، که باید هم میبود و باشد؟؟؟ و ازین نحو سؤالات متعدد دیگری را میتوان مطرح کرد. الحاصل که "زبان پشتو" با وجودی که رسماً و قانوناً همتراز "دری" قرار داده شده، مورد بی توجهی عام و تام واقع گردیده است. هم خود "پشتوزبانان" در حق زبان خود ظلم روا می دارند و نیز هموطنانی، که زبان مادری ایشان پشتو نیست. یعنی که "زبان پشتو" مورد دو بی مهری قرار گرفته است؛ هم مورد بی مهری دوست و نیز مورد بی مهری "دشمن".

این قلم چندین ماه پیش مضمونی نوشت زیر عنوان «چقدر مظلوم است زبان پشتو - بی مهری دوست و "دشمن" با زبان پشتو» که ضمن آن بر موضوع اندک مکث گردید. خواننده خواهنده را به مطالعه این مقاله در آرشیف بنده در پورتال "افغان جرمن آنلاین" دعوت میکنم.

"پشتو - ستیزان" و آنانی که نه با زبان پشتو میانه خوب دارند و نه با پشتونان، از تعداد معدود و بلکه انگشت شمار کلمات دیوانی و اداری و نظامی پشتو، که در دری رائج و معمول گردیده اند، رنج میبرند و شاید حتی عذاب میکشند. رنج و عذاب ایشان در واقع به نفرت تبدیل گردیده، وقتی می بینیم که ایشان قصداً این کلمات را از سخن می اندازند و در عوض لغات نامأنوسی را استعمال میکنند، که از ماورای مرزهای کشور ما، از طریق آثار مطبوع و بر اثر تبلیغات وسیع دشمنان "هویت فرهنگی" و "هویت زبانی" افغانستان، در کلامشان رسوب کرده و پیوسته نشخوار میگردد.

حال ببینیم که کلمات دری چگونه وارد زبان پشتو گردیده اند؟؟؟

"کلمات دری دخیل در پشتو" را در دو کتگوری میتوان مطالعه کرد:

- لغاتی که کاملاً بصورت طبیعی و بر اثر "مراودات و معاملات و داد و گرفت اجتماعی" وارد "زبان پشتو" گردیده اند و میگردند. تعداد این لغات بسیار زیاد است و شاید بتوان گفت، که هشتاد تا نود درصد "کلمات دری دخیل در پشتو" ازین جمله اند. استعمال کنندگان این لغات طیف بسیار وسیع و گسترده دارند، که تمام آحاد و طبقات پشتونان را در بر می گیرند؛ از امی گرفته، تا باسواد و از کمدان گرفته تا دانا و دانشمند و تعلیم یافته. طوری که بر من بنده مبرهن و هویدا گشته، پشتوزبانان نه تنها از استعمال کلمات دری، ننگ نمی کنند، بلکه چنین کلمات را حتی با "صد شوق تمام" در کلام خود بکار میبرند. "پشتونان" در قسمت استعمال "کلمات دری" آن قدر بی کبر اند، که بعضاً حتی ترکیبات کلان و طویل زبان دری را بعینهم در کلام خود میگنجانند. طوری که برداشت من است،

پشتونان افغانستان در برابر هیچ زبان مروج در کشور خود، احساس بیگانگی نمی کنند؛ نه در برابر زبان "دری" و نه در برابر کدام زبان دیگر وطن. بنگرید که تقریباً تمام پشتوزبانان میتوانند به دری سخن بگویند، ولی حالت معکوس حتی برای بیست درصد هم صدق نمیکند، یعنی که بیست درصد غیر پشتونان هم نمیتوانند به پشتو سخن گویند. اکثر تعلیم یافتگان پشتون حتی هردو زبان رسمی ما را به عین سویه یاد دارند، و زبان دری را بسان زبان مادری خویش بلد اند. بروید سراغ شاهان و زعمای کشور که با وجود "پشتون بودن"، به دری شعر میگفتند و دیوان شعری داشتند. اعلیحضرت احمد شاه بابای کبیر، تیمور شاه درانی، شاه شجاع درانی، سردار مهردل مشرفی و دیگران همه اشعار بسیار و بسیار ناب دری از خود بجا گذاشته اند. بروید اشعار دری خوشحال خان ختک را بخوانید، بروید آثار بی شمار علامه مرحوم عبدالحی حبیبی را که در تبحر علمی مانده اش در منطقه سراغ نمیگردد، ورق بزنید که نود درصد به دری نوشته شده اند؛ بروید اشعار آبدار استاد عبدالرحمان پژواک را از نظر بگذرانید و بروید و هزار و یک اثر دیگر پشتونان را به زبان دری ملاحظه فرمائید. پشتونان به گفته المانها به معنای واقعی کلمه "مولتی کولتی" Multikulti یعنی "طرفدار تنوع فرهنگی" میباشند.

- در مورد لغات اداری و دیوانی باید گفته شود :

چون در تمام دوره ای که کشور محبوب ما "افغانستان" نامیده میشود، دری زبانان و دری گویان اداره واقعی کشور را بدوش داشتند، لغات اداری و دیوانی و علمی هم در زبان دری ساخته می شدند، و خواهی نخواهی وارد زبان پشتو هم می گردیدند. پشتونان خواه "به" و یا "بدون" طیب خاطر، چنین کلمات را بکار برده و آنها را در هاضمه قوی و بی تعصب خود حل میکردند. حتی در زمان اعلیحضرت احمد شاه بابا و پسرش تیمور شاه - که عنفوان و معراج تسلط پشتونها بر افغانستان شمرده میشود، و دفتر و دیوان کشور به زبان دری بود و دیوانیان همه دری زبان - نیز چنین کلمات در زبان دری ساخته میشدند و لامحاله در تمام قلمرو احمد شاهی و تیمور شاهی رواج مییافتند. استثنائی در کار نبود و پشتوزبانان نمیتوانستند و یا اجازت نداشتند که از اوامر "سرکار" سرپیچی و تخطی ورزند. آنچه بالانشینان میساختند، پائینیان قبول میکردند.

سؤال درینجاست، که آیا تمام این کلمات دری به رضاء و رغبت وارد "زبان پشتو" گردیده اند، و یا که عنف و اکراهی هم در میان بوده است؟؟؟ با مدنظر گرفتن این واقعیت، که اداره کشور در ادوار مختلف تاریخ بدست کسانی بوده که دری سخن میگفتند - خواه دری زبان بودند و یا ترکی زبان و غیره - و بالاچار "زبان دری"، زبان اداره و دفتر و دیوان کشور بوده، دور از تأمل و سطحی نگری محض خواهد بود اگر ادعاء کنیم، که ورود تمام کلمات قدیم و جدید "دری" به زبان "پشتو"، به طیب خاطر و به اصطلاح عوام "خوش برضاء" صورت گرفته!!!

مغولان و ترکان که از ماورای جیحون و پاردریا بر سرزمین ما مسلط گردیده، بر سریر قدرت نشستند و اداره کشور را در دست گرفتند، هزاران کلمه و اصطلاح زبانهای خویش را در دفتر و دیوان و در تمام شؤون اجتماعی ما رائج ساختند. ولی امروز کسی نمیرسد، که این همه لغات ترکی و مغولی در زبان دری از کجا آمده و چرا آمده اند؟؟؟ امروزه روز هم به صدها و هزاران لغت ترکی و مغولی در زبان دری استعمال میگردند، بدون اینکه کسی بپرسد، که چرا این لغات در زبان ما رائج گردیده و یا رائج ساخته شده اند. همین هموطنان ما که اینقدر لغات ترکی و مغولی و ازین بیشتر هم کلمات عربی و فرنگی را روزانه و بیدریغ استعمال می کنند، هرگز نپرسیده اند، که این کلمات از خارج زبان فارسی دری وارد آن گردیده - خواه بزور و یا بدون زور. اگر قرار باشد که این همه کلمات بیگانه ای را که در مرور قرون و دهور در زبان دری نفوذ کرده و امروز جزء لاینجزای گنجینه لغات دری ما گردیده اند، از زبان دری دور کنیم، بدون شک که زبان دری فلج میگردد.

درینجا مایلیم بر کلمات "پوهنتون" و "دانشگاه" اندک مکث نمایم، گرچه در مقاله "ورود لغات بی مورد و ناباب در زبان دری" در زمینه چیزهائی تقدیم کرده ام :

تا حدوداً هفتاد سال پیش هم در ملک ما و نیز در کشور ایران، ترکیبیات عربی "دارالعلوم" و "دارالفنون" را در عوض University انگلیسی و معادل های دیگر فرنگی آن، بکار میبردند. و چون خواستند کلمات معادل بومی این "دو" را بسازند، در افغانستان کلمه "پوهنتون" را وضع کردند و تقریباً همزمان در ایران کلمه "دانشگاه" را. بلی؛ کلمات "پوهنتون و دانشگاه" که همزمان ساخته شده و در چلند انداخته شدند، لغاتی اند جدید.

بعض کسان بی خبر از موضوع ادعای کهن بودن کلمه "دانشگاه" را دارند، و حتی در جائی خواندم که آنرا قدمتی برابر با شهنامه فردوسی داده بودند، بی آنکه سندی ارائه نمایند و این را مُبرهن و مُبرَز بگرداند، که اگر به فرض محال - بلی کاملاً به "فرض محال" - کلمه "دانشگاه" در آن زمان استعمال هم شده باشد، قطعاً "مدلول" دیگری داشته و در "مفهوم" امروزی بکار نرفته است.

اگر از استعمال اصطلاحات مقبول "پوهنتون" و "پوهنخی" در پنجاه سال پیش مطبوعات خود مثالی بزنم :

در شماره 209 مؤرخ 19 قوس سال 1338 مطابق به 12 دسمبر 1957 زیر عنوان درشت "سپاسگزاری نسبت به تطبیق اعلامیه حقوق بشر در افغانستان" چنین میخوانیم :

« بساعت دو و نیم بعد از ظهر دیروز برای تجلیل روز اعلامیه جهانی حقوق بشر کانفرانسی در سالون پوهنخی حقوق و علوم سیاسی منعقد شده بود، که در آن بعضی از رؤساء هیئت های تدریسی و اداری و محصلین پوهنتون کابل حضور بهم رسانیده بودند.

بناغلی محمد اصغر رئیس پوهنتون خطابه ای مبنی بر مرام و مزایای این اعلامیه ایراد نموده و از موفقیت اخیری که حکومت افغانستان در راه تطبیق این اعلامیه توسط نهضت اجتماعی طبقه نسون مملکت حاصل نموده سپاسگزاری نمود.

سپس شرح مواد این اعلامیه توسط بناغلی صدقی آمر اداره اطلاعات ملل متحد در کابل ایراد گردید. در اخیر بیاناتی توسط پروفیسر گی دو لاسال استاد حقوق بین الدول پوهنخی حقوق و علوم سیاسی در باره سیر تاریخی حقوق بشر ایراد گردید. * «

انبوهی و کثرت لغات دری که شامل زبان پشتو گردیده اند، در حدیست، که انسان را از مثال زدن بی نیاز میگرداند. به جرأت میتوانم بگویم، که پشتونان افغانستان هر کلمه دری را میتوانند در زبان خود استعمال نمایند و همین کار را نیز روا می دارند. با وجود این امر مسلم ، میخوایم درینجا طور نمونه و گویا مثنی از خروار ، تعدادی از چنین لغات را ذکر کنم :

- کلمه "اودس" پشتو که در معنای "وضو" میباشد، در اصل "آبدست" دری بوده که اکنون از تداول دری زبانان افتاده است. خوشبختانه که کلمه خوش ساخت و زیبایی "آبدست" که بعین شکل وارد زبان ترکی گردیده ، همین

امروز هم ، به عین شکل در ترکیه و در بین ترکان، مورد استعمال ترکان قرار دارد.

- "کمینت" در معنای "کمی" و "کمبود" ، از کلمه "کم" دری اشتقاق گردیده.

- "ارزیت" مأخوذ از کلمه دری "ارزش"

- "سوداگر" در معنای "تاجر" و "بازرگان" ، که کلمه قدیم و زیبایی دریست، بعینه در پشتو استعمال میگردد. زبان پشتو ترکیب "سوداگری" (با "یای ثقیل") را نیز به کار میبرد، که حالت تغییر یافته "سوداگری" است. ترکیب قشنگ "سوداگر" که در سابق در زبان دری افغانستان کاملاً متداول بود، امروز کم و بیش از رواج افتاده و جای خود را به لغت عربی "تاجر" رها کرده است. در جائی خواند که این لغت زیبا هنوز هم در بین "اویغورها" در کشور "چین" استعمال میگردد.

- "ناکام" مقابل "کامیاب" که هر دو بعینهم از دری گرفته شده ، هم در دری و نیز در پشتو کاملاً متداول اند. در زبان فارسی ایران متأسفانه این ترکیبات زیبایی دری را درین معنی نمی شناسند و در عوض آن لغات عربی و نارسای "رد" و "قبول" را به کار میبرند.

- "بخت آور" و "بخت ور" یعنی "مسعود و مبارک" که در زبان پشتو بشکل "بختور" درآمده است.

- "خوشال" که از "خوشحال" دری (مرکب از "خوش" دری و "حال" عربی) برخاسته و تغییر شکل داده است. در حدی که حتی بزرگترین شاعر پشتو ، "خوشحال خان" را نیز به شکل "خوشال خان" مینویسند و همین طور تلفظ هم میکنند.

بعض کسان طرفدار نگهداشت این لغت مطابق به "اصل دری" آن اند، مگر زبان پشتو قانونمندی خاص خود را دارد، که مطابق به آن هر لغت بیگانه را با روحیه و مزاج خود تغییر داده و استعمال میکند. این تغییر شکل دادن، محض مربوط به کلمات دری هم نیست، بلکه زبان پشتو کلمات زبانهای دیگر را نیز با تغییر شکل به کار میبندد. مثلاً "نعره" عربی را که "اسم مره" و در معنای "یک بار فریاد زدن" است، به شکل "ناره" بکار می برد. و یا کلمه عربی "صلح" را به صورت "سوله" تغییر داده استعمال مینماید. کذا کلمه عربی "جماعت" را به شکل "جومات" تغییر داده و از آن معنای "مسجد" را می گیرد. و مثال های بیشمار دیگر.

البته زبان پشتو یگانه زبانی نیست، که کلمات خارجی را بر طبق طبیعت و مزاج خود تغییر داده به کار میبرد ؛ زبان عربی نیز با استفاده از قواعد "تعریب" خود چنین میکند. کلماتی را که زبان عربی از زبانهای بیگانه اخذ کرده و تغییر میدهد "معرب" (بر وزن "موفق" و "مشدد" و "منور") مینامند. میتوان مثالهای بسیار فراوان و بی مر را ازین رشته کلمات پیش دیده خواننده عزیز گذاشت، که سند این داعیه توانند بود. مثلاً کلمات "انگبین" ، برنامه ، تازه ، فیروزه ، کهرمان ، گوهر ، گلاب ، استاد ، تراز ، و اسمای علم (خاص) از قبیل سپاهان ، چاچ (تاشکند امروزی) ، سبزوار ، پوشنگ ، ... دری را به شکل "انجبین" ، برنامه ، طازج ، فیروزج ، کهرمان ، جوهر ، جلاب ، استاذ ، طراز ، اصفهان ، شاش ، اسفزار ، فوشنج ، ... تغییر هیئت داده و همینطور بکار میبرد.

نکته آخر اینکه :

وجه بزرگ تمیز و تشخیص "پشتوی افغانی" ، وجود وافر لغات "دری" در آن است، همان قسمی که وجود کلمات بی شمار "پشتو" در "دری افغانی" ، نیز یکی از وجوه تمایز "دری ما" با "فارسی ایران" است. درین اواخر مگر

نیمچه ملایان و خام اندیشانی - هم در عرصه "زبان پشتو" و نیز در عرصه "زبان دری" - پیدا گردیده اند، که می خواهند کلمات "دری" را از "زبان پشتو" و کلمات "پشتو" را از "زبان دری" به اصطلاح پنسل پاک بزنند. من به این هموطنانم به صراحت تام می گویم که : علاوه بر اینکه این امر شباهت به شنا در جهت مخالف جریان آب را دارد، چنین سعی و تلاشی خلاف اساسات علم زبان بوده و از نگاه علم باطل است، که بالآخر نتیجه ای را هم به بار نخواهد آورد!!!!!! سخن بیشتر را در این زمینه خاص میگذارم به آینده!!!!!!

* از نویسنده ملی و مبارز افغان ، خانم ملالی موسی نظام، تشکر میکنم که فوتوکاپی انیس بالا را برایم فرستادند.